



تعامل نظام نظارت بانکی با نهادهای ناظر مالی مرتبط



دکتر علی حسن زاده*

نوشین اسدی پور**



مقدمه

برای همکاری متقابل بین ناظرین بخش‌های مختلف این نظام، از راهکارهای اتخاذ شده توسط تنظیم‌کنندگان مقررات و ناظرین برای حفظ سلامت و ثبات نظام مالی می‌باشند.

۱. ثبات مالی

دلیل اصلی نظارت بر مؤسسات مالی و پایش بازارهای مالی، حفظ ثبات مالی^۱ و اجتناب از بروز ریسک سیستمی است. اما منظور از ثبات مالی چیست؟ واقعیت این است که تعریف واحد و یکسانی که مورد قبول اکثریت اقتصاددانان باشد در مورد ثبات مالی وجود ندارد. با توجه به اینکه در حال حاضر علاوه بر تثبیت قیمت‌ها، حفظ ثبات مالی و تهیه گزارش‌های ثبات مالی (FSR) از وظایف اصلی بانک‌های

نظام مالی بین‌الملل در دهه گذشته شاهد تحولات قابل ملاحظه‌ای در زمینه نوآوری‌های فنی و مالی و همچنین مقررات‌زدایی بوده است. گرایش مؤسسات مالی به ارائه کلیه خدمات مالی، آزادسازی جریان سرمایه و گسترش رقابت در نظام مالی از تحولاتی است که از مقررات‌زدایی و کاهش مرزها و تفاوت انواع بازارهای مالی (به عبارت دقیق‌تر بازار پول، بازار سرمایه و بیمه) نشأت گرفته است. همگام با ادغام‌های رو به افزایش نظام مالی در سراسر جهان، تنظیم‌کنندگان مقررات و ناظرین این نظام برای انجام مؤثر وظایف و مسئولیت‌های خود با چالش اساسی چگونگی پاسخ و همراهی با این تغییرات روبه‌رو شده‌اند. ایجاد سیستم نهاد مقرراتی و نظارتی واحد برای کل نظام مالی، اعمال نظارت یکپارچه بر مؤسسات مالی و ایجاد ترتیباتی

* دانشیار گروه بانکی و معاون اداری - مالی پژوهشکده پولی و بانکی.

** مدیر اداره نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.



گرایش مؤسسات مالی به ارائه کلیه خدمات مالی، آزادسازی جریان سرمایه و گسترش رقابت در نظام مالی از تحولاتی است که از مقررات‌زدایی و کاهش مرزها و تفاوت انواع بازارهای مالی نشأت گرفته است



مرکزی در کشورهای با بازارهای مالی توسعه‌یافته است. در این ارتباط به تعریف ثبات مالی از دیدگاه چند بانک مرکزی اشاره می‌نمایم. دویچه بوندس بانک (۲۰۰۳) ثبات مالی را به شرایطی اطلاق می‌نماید که «نظام مالی وظیفه خود را در تخصیص سرمایه و ریسک به طور مؤثر انجام دهد.

از نظر بانک مرکزی اروپا (Tommaso Padoa-Schioppa) (2003) «ثبات مالی وضعیتی است که نظام مالی قادر به مقابله با تکانه (شوک)های وارده بدون آسیب‌رساندن به فرآیند تخصیص پس‌اندازها به سرمایه‌گذاری و همچنین کارکرد سیستم پرداخت‌ها باشد».

اما برخی از اقتصاددانان در ارائه تعریفی از ثبات مالی، به توصیف شرایط متضاد آن یعنی بی‌ثباتی مالی می‌پردازند. از نظر میشکین^۳ «بی‌ثباتی مالی زمانی رخ می‌دهد که تکانه‌های وارده به نظام مالی، مانع جریان اطلاعات شده و نظام مالی نمی‌تواند وظیفه‌اش در تخصیص پس‌اندازها به فرصت‌های سرمایه‌گذاری را ایفا نماید.» بی‌ثباتی مالی از دید بانک مرکزی کانادا (۲۰۰۳) «شرایطی در بازارهای مالی است که کارکرد مؤثر نظام مالی مورد تهدید قرار می‌گیرد.» چنین شرایطی عملکرد اقتصاد را به طرق مختلف از قبیل محدود کردن جریان اعتبار، اختلال در عملیات مؤسسات مالی و بازارها و همچنین اختلال در فرآیند تأمین اعتبار مورد نیاز مؤسسات اقتصادی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در جمع‌بندی تعاریف فوق می‌توان ثبات مالی را به شرایطی اطلاق نمود که سیستم مالی بدون هیچ مشکل و نارسایی قادر به ایفای وظیفه‌اش در تخصیص منابع اقتصادی و مدیریت ریسک‌ها و همچنین عملکرد مؤثر سیستم پرداخت‌ها بوده و در عین حال از انعطاف‌پذیری لازم برای مواجهه با تکانه‌های وارده (اعم از داخلی و خارجی) برخوردار باشد. اهمیت ثبات مالی با توجه به تأثیر دو بحران مالی معروف (دهه ۱۹۳۰ آمریکا و دهه ۱۹۹۰ آسیای جنوب شرقی) و همچنین بحران مالی کنونی بر همگان آشکار است. هزینه بالای عدم ثبات مالی و وقوع بحران‌های مالی و آثار منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن

سبب شده است که تنظیم مقررات و اعمال نظارت مؤثر بر مؤسسات مالی برای پیشگیری از بحران، بیش از پیش مورد توجه نهادهای نظارتی نظام مالی قرار گیرد.

طبقه‌بندی مؤسسات مالی به‌طور سنتی بر اساس ابزار و خدماتی که ارائه می‌دهند صورت می‌پذیرد. ضمناً طبقه‌بندی این مؤسسات است که الزامات رفتاری، مقرراتی و مراجع نظارتی ذی‌ربط آنها را تعیین می‌نماید. مقررات‌زدایی‌های مالی صورت‌گرفته موجب ادغام بازارهای مالی و ایجاد گروه‌های مالی و همچنین پیچیدگی فعالیت‌ها و وابستگی فزاینده بازارهای مالی شده و این موضوع به نوبه خود فرصت‌های فراوانی را برای ظهور آربیتراژ مقرراتی و نظارتی^۴ و همچنین افزایش ریسک سیستمی فراهم نموده است.

محیط مقرراتی و نظارتی که به‌طور بالقوه زمینه‌های ظهور آربیتراژ مقرراتی و نظارتی در آنها وجود دارد، حداقل دارای یکی از ویژگی‌های زیر است:

۱. ناسازگاری و تناقض مقرراتی و نظارتی برای انواع مختلف مؤسسات مالی.
۲. تفاوت در هزینه‌ها برای مؤسسات مالی مختلف.
۳. فقدان هماهنگی بین مقامات نهادهای نظارتی و مقرراتی مختلف بخش مالی.

نهایتاً اینکه ارتباط و وابستگی مؤسسات مالی در بازارهای مختلف این بخش و ادغام‌های ناشی از مقررات‌زدایی، ریسک سیستمی را به‌شدت افزایش داده است، به‌طوری که بحران مالی جهانی که از سال ۲۰۰۷ از بازار اعتبار آمریکا آغاز شد و به سرعت به بازارهای مالی دیگر آن کشور و همچنین سایر کشورها تسری یافت، دقیقاً شاهد و گواه بر وابستگی شدید بازارهای مالی در سطح ملی و بین‌المللی و تأثیرپذیری آنها از یکدیگر می‌باشد.

تحولات فوق نهادهای نظارتی بخش مالی را بر آن داشت تا در جهت انجام مؤثر وظایف خود از طریق ادغام مراجع نظارتی و اصلاح رویکردهای تنظیم مقررات و چگونگی نظارت خود، نسبت به تغییرات فوق پاسخ‌دهند، که به اختصار مروری بر آنها خواهیم داشت:

الف. سیستم نظارتی واحد

همگام با مقررات‌زدایی در دهه ۹۰ میلادی و لزوم کنترل و نظارت همه‌جانبه مؤسسات مالی فعال در این بخش و استفاده بهینه از منابع نظارتی و همچنین ایجاد شرایطی که کارایی و رقابت را در این نظام تقویت نماید، برخی از کشورها سیستم نهاد نظارتی واحد^۵ را برای نظام



مالی خود برگزیدند که در این قسمت به‌طور خلاصه به چند مورد مهم آن اشاره می‌شود.

از تأثیرگذارترین و مشهورترین مصادیق ادغام مراجع نظارتی بخش مالی، ایجاد «سازمان نظارت بر خدمات مالی انگلستان»^۶ است که سال‌ها است مراجع مقرراتی و نظارتی بسیاری از کشورها را با این تردید و چالش مواجه ساخته که سیستم موجود خود را حفظ نمایند و یا سیستمی همانند آن را برگزینند؟ به نظر نمی‌رسد این دسته تاکنون بر تردید خود فایق آمده باشند. در واقع هیچ مدل یکسانی نمی‌تواند برای همه کشورها کاربرد داشته باشد و مدل یا ساختار بهینه نهاد نظارتی هر کشور به ساختار بازارها و مؤسسات مالی فعال در آن کشور بستگی دارد. در هر حال موجودیت «سازمان نظارت بر خدمات مالی انگلستان» در ۲۰ مه ۱۹۹۷ با مسئولیت نظارت بر بانک‌ها، بورس اوراق بهادار، شرکت‌های بیمه، اتاق‌های پایاپای و شرکت‌های فعال در زمینه مشاوره مالی و مدیریت منابع اعلام گردید و متعاقب آن در سال ۲۰۰۰ میلادی، قانون جدید «بازارها و خدمات مالی»^۷ با تشریح اهداف، مسئولیت‌های سازمان فوق و اصول حاکم بر تدوین مقررات ناظر بر مؤسسات تحت نظارت و همچنین چگونگی ارتباط آن با بانک مرکزی انگلستان و خزانه‌داری معرفی شد. پس از چند سال آلمان و اطریش نیز مدل نهاد نظارتی واحد را انتخاب نمودند. در اطریش قانون جدید بازارها در تابستان ۲۰۰۱ به اجرا در آمد و حسب قانون مذکور «سازمان نظارت بر بازارهای مالی»^۸ در سال ۲۰۰۲ با مسئولیت نظارت بر بانک‌ها، بیمه و بورس شروع به فعالیت نمود. در آلمان «سازمان نظارتی فدرال مالی»^۹ با مسئولیت نظارت بر بانک‌ها، بیمه و بورس در مه ۲۰۰۲ ایجاد شد. در هر سه کشور مذکور بانک‌های مرکزی آنها مسئول حفظ ثبات مالی کشور متبوع خود هستند.

ب. نظارت یکپارچه

از عوامل اساسی در نظارت مؤثر، توانایی ناظرین بر نظارت یکپارچه^{۱۰} سازمان مؤسسه مالی است. منظور از نظارت یکپارچه، اعمال نظارت بر کلیه فعالیت‌های مؤسسه مالی (بانکی و غیربانکی)، اعم از اینکه آن فعالیت مستقیماً توسط مؤسسه مالی و یا از طریق مؤسسات مستقل فرعی^{۱۱} و یا وابسته^{۱۲} به آن صورت پذیرد، می‌باشد. برای اینکه چنین نظارتی اعمال شود، شناخت ساختار کلی مؤسسه مالی و همچنین گروه‌های وابسته به آن ضروری است. اصل ۲۰ از اصول محوری نظارت بانکی مؤثر^{۱۳} (اصول ۲۵ گانه کمیته نظارت بانکی بال - نسخه ۱۹۹۹ میلادی)، نظارت یکپارچه بر سازمان بانک را مورد توجه قرار می‌دهد. نظارت یکپارچه در اصول ۲۳ و ۲۴ اصول محوری فوق، با رویکرد نظارت بر واحدهای فرامرزی^{۱۴} و نظارت بر مجتمع‌های مالی^{۱۵} مطرح می‌گردد. این موضوع در نسخه بازنگری شده (اکتبر ۲۰۰۶) اصول فوق مجدداً مورد تأکید قرار گرفته و به دلیل اهمیت تعامل و همکاری ناظرین بخش مالی در اصل ۲۵ اصول، همکاری و تبادل اطلاعات بین ناظرین متعدد، شرط لازم اعمال نظارت یکپارچه اعلام شده است.

نظارت بر مجموعه‌های چندشاخه‌ای مالی از مصادیق نظارت یکپارچه بوده و دقیقاً از ادغام در بازارهای مالی ناشی می‌شود. مجموعه‌های چندشاخه‌ای یا گروه‌های مالی بین‌المللی معمولاً در زمینه‌های بانکی، بورس، مدیریت منابع و بیمه فعالیت می‌نمایند. فعالیت چندگانه و همچنین بین‌المللی آنها موجب شده که این مؤسسات تحت نظارت چندین نهاد نظارتی و مقرراتی متفاوت در داخل و خارج از سرزمین اصلی خود باشند.

مسائل مرتبط با مجتمع مالی از قبیل جمع‌آوری اطلاعات، هماهنگی بین نهادهای نظارتی و رعایت مقررات احتیاطی در محیط داخلی بسیار پیچیده بوده، فعالیت بین‌المللی این مؤسسات مشکل را چه بسا حادتر نیز می‌نماید. از مهم‌ترین مواردی که می‌بایست در نظارت بر مجتمع‌های مالی مورد توجه قرار گیرد رویکرد کلی^{۱۶} در نظارت، شفافیت ساختار گروه، ارزیابی کفایت سرمایه و جلوگیری از سرمایه اهرمی دوگانه^{۱۷} است. موضوع مهم دیگر روابط اعضای گروه در ارتباط با تسهیلات و تعهدات کلان^{۱۸} است. این موضوع به‌ویژه

دلیل اصلی نظارت بر مؤسسات مالی و پایش بازارهای مالی، حفظ ثبات مالی و اجتناب از بروز ریسک سیستمی است

به دلیل تفاوت بسیار زیاد در مقررات ناظر بر بانکداری، بورس و بیمه دارای اهمیت است.

ج. یادداشت تفاهم همکاری بین ناظرین بخش مالی

لازمه اعمال نظارت یکپارچه، همکاری و تبادل اطلاعات بین نهادهای و مراجع متعدد نظارتی بخش مالی (بازار پول، بازار سرمایه و بیمه) در سطح داخلی و بین‌المللی است. برای این منظور وجود تفاهم‌نامه‌های رسمی و غیررسمی برای تسهیل چنین همکاری‌هایی بسیار ضروری می‌باشد. کمیته نظارت بانکی بال^{۱۶} با همکاری واحدهای بین‌المللی بیمه و اوراق بهادار، مشکلات نظارت یکپارچه بر مجموعه‌های بین‌المللی را هدف قرار داده و در این مورد بیانیه مشترکی انتشار داده‌اند. اهم نکات مندرج در بیانیه مذکور عبارت‌اند از:

- کلیه بانکها، مؤسسات بیمه و اوراق بهادار و سایر مؤسساتی که از نظر سرمایه به یکدیگر مربوط می‌شوند می‌بایست تحت نظارت مؤثر قرار گیرند.

- گروه‌های مالی متنوع (از نظر عملیاتی و جغرافیایی) می‌بایست تحت نظارت یکپارچه و ترتیبات نظارتی خاص باشند. بین مقامات نظارتی متفاوت (اعم از داخلی و بین‌المللی) باید همکاری کافی و جریان اطلاعاتی مناسب فارغ از هرگونه موانع وجود داشته باشد.

- شفافیت، انسجام بازارها و نظارت بر آنها به کفایت گزارش‌دهی و افشای اطلاعات وابسته است.

هدف از انعقاد تفاهم‌نامه بین نهادهای نظارتی ذی‌ربط عمدتاً تبادل اطلاعات در مورد مؤسسات مالی تحت نظارت و در صورت لزوم همکاری بیشتر در فرآیند نظارت بر مؤسسات یادشده می‌باشد. در سند تفاهم‌نامه^{۲۰} که بین مراجع نظارتی بخش مالی اتحادیه اروپا امضا شده، اهداف انعقاد تفاهم‌نامه یادشده به شرح زیر اعلام گردیده است:

- حصول اطمینان از ثبات نظام مالی در کل.
- تبادل اطلاعات در خصوص مؤسسات تحت نظارت.
- همکاری‌های نظارتی بین مراجع فوق به‌منظور استفاده بهینه از منابع نظارتی و همچنین جلوگیری از اقدامات نظارتی موازی.
- همکاری در مدیریت بحران‌های مالی.

در چهارچوب این سند همکاری‌ها معمولاً جزئیات تبادل اطلاعات، چگونگی همکاری‌های نظارتی و مسئولیت‌ها و وظایف هر یک از طرفین با توجه به صلاحیت و توانایی آنها مشخص می‌شود. در واقع

همکاری‌های نظارتی فوق می‌بایست بر مبنای تقسیم مسئولیت‌ها،^{۲۱} ایجاد هماهنگی در تنظیم مقررات^{۲۲} و توسعه همکاری‌های نظارتی^{۲۳} از جمله در اجرای آن صورت پذیرد. محورهای اساسی همکاری و تبادل اطلاعات بین مراجع نظارتی مختلف بخش مالی، عموماً در مورد مدیریت مؤسسه مالی، مالکیت، نقدینگی، توانایی مؤسسه مالی در ایفای تعهدات و همچنین صدور مجوز می‌باشد. دیگر آنکه در مورد گروه‌های مالی لازم است تبادل اطلاعات مداوم بین مراجع نظارتی وجود داشته باشد تا همواره ارتباط بین اعضای گروه مالی و سهامداران آن به‌صورت شفاف برای هر یک از نهادهای ذی‌ربط مشخص شود. به‌طوری که از هم‌پوشانی وظایف آنها جلوگیری شود.

۲. نظام مقرراتی و نظارتی بخش مالی در ایران

نظام مالی کشور در پی آزادسازی مالی صورت‌گرفته در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، شاهد تحولات مهمی در گسترش بازارهای مالی و حرکت به‌سوی خصوصی‌سازی بوده است. ضمناً در سال‌های اخیر پدیده جدیدی تحت عنوان گروه مالی با دامنه فعالیت بسیار گسترده در بازار مالی کشور مشاهده می‌شود که ناشی از ورود بانک‌های ایرانی (به‌ویژه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری خصوصی) به بازارهای سرمایه و بیمه از طریق ایجاد مؤسسات وابسته می‌باشد. با عنایت به فعالیت آنها در بازارهای مختلف و همچنین نظر به تفکیک مراجع نظارتی بخش مالی در ایران، شرکت‌ها و نهادهای تشکیل‌دهنده گروه‌های مالی فوق با توجه به خدماتی که ارائه می‌دهند تحت چتر نظارتی یکی از مراجع ذی‌ربط به عبارت دقیق‌تر بانک مرکزی، سازمان بورس و اوراق بهادار و بیمه مرکزی قرار می‌گیرند. نهادهایی که هریک از آنها رویکرد مقرراتی و نظارتی خاص خود را دارد.

از سوی دیگر کلیه مسائل و مشکلات مرتبط با مجموعه‌های چندشاخه‌ای مالی که در بخش‌های قبلی این گزارش بیان گردید در مورد گروه‌های مالی فعال در بازار مالی کشور صدق می‌نماید. در چنین شرایطی حفظ سلامت و ثبات نظام مالی و اقتصادی کشور ایجاب

حفظ ثبات مالی و تهیه گزارش‌های ثبات مالی از وظایف اصلی بانک‌های مرکزی در کشورهای با بازارهای مالی توسعه‌یافته است

از سوی دیگر، تعامل و همکاری‌های نظارتی به‌ویژه تبادل اطلاعات بین ناظرین فوق، با آزادسازی تعرفه در بیمه و تغییر رویکرد نظارتی بیمه مرکزی از نظارت تعرفه‌ای به نظارت غیرتعرفه‌ای (نظارت مالی) ضرورت بیشتری یافته است؛ زیرا به تجربه ثابت شده آزادسازی مالی به‌طور کلی رقابت بین مؤسسات مالی را افزایش داده و به‌تبع آن مؤسسات فوق جهت سودآوری بیشتر، وارد فعالیت‌های با ریسک بالاتر شده‌اند و یا به ریسک‌پذیری بیشتر تشویق می‌شوند و در این حالت احتمال وقوع بحران‌های مالی افزایش می‌یابد. این موضوع نشان می‌دهد قبل از هر آزادسازی مالی، می‌بایست مدیریت ریسک در مؤسسات مالی تقویت شود. ضمن آنکه لازم است الزامات رفتاری و مقرراتی (مقررات احتیاطی) مناسب با توجه به فضای جدید فعالیت (به‌ویژه الزامات افشای اطلاعات) برای مؤسسات مالی فعال در بازارهای مالی کشور با هماهنگی مراجع نظارتی ذی‌ربط تنظیم و به اجرا گذاشته شود. این همکاری‌ها به‌ویژه در تدوین مقررات احتیاطی جهت جلوگیری از آربیتراژ مقرراتی و همچنین شفاف و یکسان‌سازی فضای فعالیت برای کلیه مؤسسات مالی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

۳. نتیجه‌گیری

بازارهای مالی به‌طور فزاینده‌ای در حال اتصال به یکدیگر هستند، حفظ ثبات و سلامت نظام مالی از مشوق‌های اصلی اتخاذ رویکرد تعامل و همکاری بین مراجع مختلف مقرراتی و نظارتی بخش مالی



نظارت یکپارچه، اعمال نظارت بر کلیه فعالیت‌های مؤسسه مالی (بانکی و غیربانکی)، اعم از اینکه آن فعالیت مستقیماً توسط مؤسسه مالی و یا از طریق مؤسسات مستقل فرعی و یا وابسته به آن صورت پذیرد، می‌باشد

می‌نماید بین مراجع نظارتی فوق تعامل و همکاری لازم صورت پذیرد. برای توضیح پیچیدگی فعالیت‌ها و وابستگی اعضای گروه‌های مالی فوق از یک مثال ساده کمک می‌گیریم. طبق ماده ۷ آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک‌ها موظف‌اند اموال موضوع تسهیلات اعطایی و یا وثایق آنها را در طول مدت اجرای قرارداد بیمه نمایند. در حال حاضر اکثر بانک‌های خصوصی کشور گیرندگان تسهیلات را ملزم به استفاده از خدمات بیمه‌ای شرکت‌های وابسته به خود و یا عضو گروه مالی وابسته می‌نمایند. بدیهی است بدین ترتیب درآمد قابل ملاحظه‌ای برای شرکت وابسته و گروه مالی ذی‌ربط ایجاد می‌شود، لیکن این سؤال مطرح می‌گردد که سقف مجاز تعهدات شرکت‌های بیمه وابسته به بانک‌ها به چه میزان است؟ آیا شرکت‌های یادشده از توانایی ایفای کلیه تعهداتی که متقبل شده‌اند برخوردار هستند؟ این موارد با طرح‌های بیمه‌ای دیگر مانند بیمه‌نمودن تسهیلات‌گیرندگانی که قادر به ارائه وثایق ارزنده نمی‌باشند، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود.

بررسی آثار سیاست‌های پولی کشور در سنوات اخیر بر بازار سرمایه و شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار مثال دیگری از وابستگی بازارهای مالی کشور است که به جهت جلوگیری از اطلاع کلام از توضیح در مورد آن خودداری می‌شود.

کلیه این موارد همکاری بین مراجع نظارتی بخش مالی کشور را ضروری می‌سازد. خوشبختانه این نگرش در حال حاضر در نهادهای نظارتی کشور وجود دارد و خلأ آن احساس می‌شود. ضمن آنکه زیرساخت‌های لازم قانونی و مقرراتی آن در حال شکل‌گرفتن است. به نظر می‌رسد بازار سرمایه کشور به استناد بند ۱۲ ماده ۷ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۴ با تعیین «همکاری با سایر نهادهای سیاست‌گذاری و نظارتی» به‌عنوان یکی از وظایف هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار، در این مورد گام آغازین را برداشته باشد. لازم است بانک مرکزی و بیمه مرکزی نیز با اتخاذ ترتیباتی در این مورد اقدام نمایند.

منابع و مأخذ

فارسی

- اسدی پور، نوشین. (۱۳۸۸). نظارت بر بانک‌ها و شیوه‌های اجرا. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- بیمه مرکزی ج.ا.ا. (۱۳۸۷). برنامه تحول در صنعت بیمه کشور. تهران: بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

انگلیسی

- Bank for International Settlements. (1997). Core Principals for Effective Banking Supervision. Basel: BIS.
- Bank for International Settlements. (2006). Core Principals for Effective Banking Supervision. Basel: BIS.
- Ethan, Kapstein, B. (2006). *Architects of Stability? Internatinal Cooperation among Financial Supervisors*. Basel: Bank for International Settlements.
- Oxford University. (2006). *Banking Regulation and World Trade Law, Gates, EU and Prudent institution Building*. Oxford: Oxford University Press.
- Van, Hennie Greuning & Bratonovic, Sonja Brajovic. (2009). *Analyzing Banking Risk*. Washington DC: The World Bank.

می‌باشد. منظور از ثبات مالی، برخورداری از نظام مالی‌ای است که بتواند وظایف خود را در تخصیص منابع مالی و همچنین سیستم پرداخت‌ها به‌طور مؤثر انجام دهد. تحولات صورت‌گرفته در نظام مالی کشور و ایجاد گروه‌های مالی با دامنه فعالیت گسترده، همکاری بین مراجع نظارتی بخش مالی کشور را اجتناب‌ناپذیر نموده است.

همکاری بین مراجع مختلف مقرراتی و نظارتی می‌بایست بر مبنای تقسیم مسئولیت‌ها، ایجاد هماهنگی در تنظیم مقررات به‌ویژه مقررات احتیاطی و توسعه همکاری‌های نظارتی صورت پذیرد تا از هم‌پوشانی وظایف و اقدامات نظارتی موازی جلوگیری شود. دیگر آنکه شفافیت در ساختار گروه مالی، کفایت سیستم گزارش‌دهی و تهیه صورت‌های مالی تلفیقی بر اساس استانداردهای حسابداری، از مؤلفه‌های اساسی اعمال نظارت یکپارچه بر گروه‌های مالی با فعالیت چندگانه هستند.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- Financial Stability
- 2- Price Stability
- 3-(Fredrick Mishkin 2003)
- ۴- آریبیتراژ نظارتی: وجود نهادهای نظارتی برای مؤسساتی که در همه بازارها فعالیت می‌کنند.
- 5- Unified Supervisory System or Single Financial Regulator
- 6- Financial Services Authority (FSA).
- 7-(FSMA)
- 8-(FMSA)
- 9-(Bafin)
- 10- Consolidated Supervision
- 11- Subsidiaries
- 12- Affiliated
- 13- Core Principals for Effete Banking Supervision
- 14- Cross-border
- 15- Conglomerates
- 16- Overall approach
- ۱۷- منظور از سرمایه اهرمی دوگانه این است که یک مؤسسه بخشی از سرمایه خود را در یک مؤسسه مالی دیگر سرمایه‌گذاری می‌نماید و مؤسسه دوم نیز با این وجه اقدام به سرمایه‌گذاری در مؤسسه دیگری می‌نماید. به عبارت دیگر مؤسسات متعددی به میزان معین از سرمایه اقدام به سرمایه‌گذاری‌های پی‌درپی در یکدیگر می‌نمایند.
- 18- Large exposure
- 19-(BIS)
- 20- MOU
- 21- Allocation of responsibilities
- 22- Produce more harmonized regulation
- 23- Improved supervisory cooperation